

تحلیل مؤلفه‌های تاریخی تأثیرگذار بر مرفولوژی بافت قدیم شهر اردبیل

در دوره ۱۳۴۰-۱۳۰۰ ه.ش

امید اخوی^۱

فاطمه موسوی هاشمی^۲

چکیده

هر شهر دارای ریخت جغرافیایی منحصربه‌فردی است که ماحصل فرایندهای سیاسی، اقتصادی، تاریخی، کارکردهای اجتماعی و ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه است. در علوم مرتبط با شهرها، برای تحلیل فرم‌های جغرافیایی رویکردهای مختلفی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین این رویکردها، رویکرد مرفولوژی شهری است. پژوهش حاضر طبق این رویکرد به تحلیل مؤلفه‌های تاریخی مؤثر بر بافت قدیم شهر اردبیل طی دوره ۱۳۴۰-۱۳۰۰ شمسی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در دوره مذکور که بیشترین و مؤثرترین مداخلات در ریخت و بافت قدیم شهرهای ایرانی صورت گرفته است، در شهر اردبیل نیز عواملی همچون تشکیل بلدیه، تخریب نارین قلعه، احداث خیابان‌ها، حضور عناصر شهری مدرن از جمله سینما و بانک، اشغال شهر توسط روس‌ها و فرقه دموکرات، فرم و بافت قدیم این شهر را تحت تأثیر تغییرات عمده کالبدی قرار داده‌اند. در نتیجه مشخص شد که عناصر خطی خیابان و عناصر نقطه‌ای با عملکردهای متفاوت در مقیاس محله‌ای تا منطقه‌ای بیشترین تأثیر را بر بازار و مرکز شش محله‌ی اصلی شهر گذاشتند، به‌نحوی که موجبات گسستگی بازار و محله‌ها و اختلاط در انواع کاربری‌های شهری شدند.

واژه‌های کلیدی: اردبیل، بافت قدیم شهر، مرفولوژی شهری، فرم شهری

omid.akhavi@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۳

مقدمه

برای هر شهر، روندی است از تولد تا مرگ و در این میان مراحل رشد یا زوال شهر در قالب بافت آن نمایان می‌شود. عللی مختلف به‌ویژه نحوه‌ی تأثیرگذاری وقایع تاریخی و نوع واکنش شهر به آن؛ اولین بروز مرفولوژی را در سیما و بافت شهر به وجود می‌آورند. در واقع بافت هر شهر؛ بیانگر نحوه‌ی تولد و روند رشد شهر در طی تاریخ است و همچنین بیانگر نحوه‌ی پراکنش و تعامل عناصر کالبدی؛ فعالیت‌هاست. اولین و کهن‌ترین بافت شهرهای ایرانی؛ بافت تاریخی آن است که هسته‌ی اولیه‌ی پیدایش شهر است پس از آن و در قرن معاصر به ترتیب با چهار بافت دیگر مواجهیم؛ بافت قدیم؛ بافت جدید؛ بافت حومه‌ای؛ بافت ناپیوسته. در شهرهای ایرانی؛ دگرگونی در بافت تاریخی و تولد بافت قدیم شهر؛ همپای پیدایش عناصر جدید شهری بوده است.

در تولد بافت‌های شهری آنچه اهمیت پیدا می‌کند، حفظ فضاهای کهن شهری است که زمانی تجلی‌گاه بهترین نوع تعاملات بوده است. شهر اردبیل با دارا بودن پیشینه تاریخی و اهمیت فراوان از نظر تغییر و تحولات کالبدی، عملکردی و به لحاظ مرکزیت جنبش صفوی، در طول تاریخ دارای اهمیت زیادی بوده است. تا قبل از دوره معاصر (اوایل دهه ۱۳۰۰) شهر اردبیل دارای کالبد و بافتی منسجم بود که با مداخلات کالبدی گسترده در ریخت شهر همچون ایجاد اولین خیابان‌ها، تخریب نارین قلعه و ساخت اولین ساختمان‌های اداری دولتی، انسجام بافت و محله‌های شهر از هم گسست که این عوامل تأثیر زیادی بر نوع و نحوه تعاملات در محله‌های شهر اردبیل گذاشت.

پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، ضمن اشاره به تغییر و تحولات تاریخی شهر اردبیل در دوره ۱۳۴۰-۱۳۰۰، مؤلفه‌های تاریخی تأثیرگذار بر مرفولوژی بافت قدیم شهر اردبیل را بررسی و تحلیل کند.

اهداف تحقیق

پژوهش حاضر در پی تحلیل مؤلفه‌های تاریخی تأثیرگذار بر مرفولوژی بافت قدیم شهر اردبیل در دوره ۱۳۴۰-۱۳۰۰ ه. ش است. در دوره مذکور که بیشترین و مؤثرترین مداخلات در بافت قدیم شهر اردبیل صورت گرفته، عوامل مختلفی موجبات گسستگی بازار، محله‌ها و اختلاط در انواع کاربری‌های شهری شده است که برای شناسایی این عوامل، داده‌های جغرافیایی با داده‌های تاریخی تلفیق و از طریق رویکرد مرفولوژی شهری مورد تحلیل قرار گرفته است.

مبانی نظری

تا پایان قرن سیزدهم شمسی، بافت تاریخی شکل دهنده کالبد شهر ایرانی بود. این بافت در مقایسه با بافت‌های شهری که از اوایل قرن حاضر به بعد شکل گرفته‌اند، سطح اندکی را اشغال کرده و بر اساس ارتباطات غیر موتوری و رفت‌وآمد پیاده شکل گرفته بود. در این بافت احداث تأسیسات و خدمات شهری با نیازهای ساکنین آن هماهنگی داشت و بین بناهای مسکونی و غیرمسکونی مانند معابر، فضاهای عمومی، تأسیسات و تجهیزات شهری توازن برقرار بود. اراضی بافت تاریخی شهرهای ایرانی از سه بخش کهنه‌دژ، شارستان و ربض تشکیل شده بودند که کهنه‌دژ ویژه جایگاه حاکمان، نهادها و خدمات نظامی و اداری، بخش شارستان شامل بناهای تجاری، مسکونی، مذهبی، فرهنگی و خدماتی و بخش ربض ویژه اراضی سبز، مزارع و باغات، بوده است (حائری، ۱۳۷۱: ۷۰۹).

در اوایل این قرن، به موازات شکل‌گیری شبکه ارتباطی موتوری در شهرهای کشور به تدریج در داخل بافت تاریخی و در کنار خیابان‌ها و میدان‌های آن، عناصر جدید شهری با رشدی آرام مستقر شدند. این بافت تازه شهری را که در حدفاصل گذار از شهرنشینی آرام به شهرنشینی سریع شکل گرفت را می‌توان بافت قدیمی نام نهاد زیرا نه‌چندان تاریخی بود و نه‌چندان جدید. حتی سازمان‌یابی فضائی آن نیز چیزی در حدفاصل سازمان‌یابی فضائی بافت تاریخی و بافت جدید بود. بافت قدیمی که باید آن را انعکاس کالبدی تحولات اجتماعی سیاسی اوایل قرن حاضر دانست، بر اساس ورود وسایل نقلیه موتوری به شهر شکل گرفت اما در ابتدا به سبب اندک بودن تعداد این وسایل استفاده از وسایل نقلیه غیر موتوری در آن همچنان استمرار داشت (همان، ص ۷۱۰).

تا پایان دهه سی شمسی، بازار که از عناصر بافت تاریخی است، به‌عنوان رکن اصلی تجارت و خدمات همچنان از پویایی و رونق برخوردار بود و سایر تأسیسات و تجهیزات شهری مانند آب‌انبارها، سراها، تیمچه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، مدارس و غیره به میزان قابل توجهی فعال ماندند. به این ترتیب کالبد شهر ایرانی در سه دهه اول قرن چهاردهم خورشیدی از دو لایه بافت شهری تشکیل شده بود: بافت تاریخی و بافت قدیمی. بافت قدیمی تقریباً به‌طور یکنواخت و پیوسته بافت تاریخی را در برمی‌گرفت و شهر، به‌ویژه در حوالی محورهای ارتباطی، اندکی بیشتر گسترش یافته بود، بخشی از مزارع و باغ‌ها صرف گسترش شهری شده بود و عناصر تازه‌ای نیز به‌طور پراکنده در اطراف در بافت به چشم می‌خوردند. این عناصر تازه هر یک به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم با محورهای اصلی ارتباطی مرتبط می‌شدند. نزدیکی به بافت تاریخی عامل تعیین‌کننده گسترش

شهر برد به همین جهت این دولایه بافت شهری در مقایسه با بافت‌های بعدی از پیوستگی نسبی بیشتری برخوردار بودند (همان).

بافت‌های شهر در قالب نظریه‌های گوناگونی مانند نظریه ساخت شهر؛ مرفولوژی شهری و نظریه چیدمان فضا در سطح جهانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مرور آثار مربوط به نظریه ساخت شهر نشان می‌دهد که صرفاً بافت شهر در سطح (مرتب) کل شهر مورد بررسی واقع شده و کمتر به اجزای آن توجه شده است. در نظریه چیدمان فضا؛ با تحلیل تصاویر فضایی از توده‌های شهر می‌توان به ساختار کالبد آن دست پیدا کرد و در رابطه این کالبد؛ با کارکرد فعلی آن را مورد توجه قرارداد (بهزادفر؛ ۱۳۹۱: ۲۵). در سطح جهانی مناسب‌ترین رویکرد که به تحلیل بافت‌ها بتوان پرداخت، مرفولوژی شهری است که بر مطالعات کالبدی شهر متمرکز است. این رویکرد، چهارچوب نظری لازم برای مطالعه شخصیت شهرها را فراهم می‌کند. در واقع مرفولوژی شهری بررسی نظام‌مند فرم، شکل، نقشه، ساخت‌ها و کارکردهای بافت مصنوع شهرها و منشأ و شیوه تکامل این بافت در طول زمان است (میرمقتدایی؛ ۱۳۸۵؛ ۱۲۹).

مرفولوژی شهری

مرفولوژی شهری، یکی از مهم‌ترین رویکردهای کالبدی به شکل شهر است و چنین تعریف می‌شود: مرفولوژی شهری جریانی عمده در مطالعه شکل شهر در جغرافیای شهری است، واژه مرفولوژی به معنای علم فرم است که کار آن بررسی «شکل، فرم، ساختار خارجی یا شیوه مرتب شدن» است (میرمقتدایی؛ ۱۳۸۵: ۱۳۱) طرفداران این زمینه فکری عقیده دارند که تمایلات و ارزش‌های انسانی در کالبد شهر مستتر است و مطالعه کالبد شهر به‌طور ضمنی مطالعه ارزش‌های انسانی شکل‌دهنده آن نیز به شمار می‌رود: مرفولوژی شهری به مطالعه شهر به‌عنوان یک محیط کالبدی متمرکز است، اما به‌طور ضمنی پیوندی میان عناصر فضایی و مادی شهری و نیروهای اجتماعی و اقتصادی شکل‌دهنده آن‌ها نیز برقرار می‌کند (Moudon, 2000, 38-43).

ریشه‌های مرفولوژی شهری (Urban-Morphology) را می‌توان در سنت تحقیق مورفوژنتیک (Morphogenetic) در اروپای مرکزی و کارهای اشلوتر (Schluter) ردیابی کرد، او بحث مرفولوژی منظر فرهنگی (Kultur-landschaft / cultural-landscape) را مطرح کرد که در جغرافیای انسانی نقشی مشابه ژئومرفولوژی در جغرافیا دارد. اگرچه تأثیر مستقیم اشلوتر به‌سختی از کشورهای آلمانی‌زبان خارج شد، اما ایده‌های او از طریق نوشته‌های ام آر جی کنزن (M.R.G. Conzen) که پایه مورفوژنتیک شهری را در جهان انگلیسی‌زبان گذاشت، منتشر کرد (Larkham, 1998, 9).

در پی مورد اقبال واقع شدن تفکر سیستمی و برقراری کنش‌های بین معماران، جغرافی‌دانان، تاریخ‌دانان و اقتصاددانان، شکل جدیدی از مرفولوژی شهری پایه‌گذاری شد و عملاً تلاش شد که ساختار شهر به‌عنوان نتیجه توسعه‌های تاریخی در دوره‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد (WhItehand, 2007, II02-II06). کانزن در دهه سی، مطالعات خود را بر روی بسیاری از شهرهای انگلستان خصوصاً الن ویک متمرکز نمود. خود او این مطالعات را منظر شهری می‌دانست که ترکیبی از مطالعه‌ی نقشه شهر، فرم ساختمان‌ها و کاربری بود و علاوه بر این، وی دو مفهوم کمربند حاشیه‌ای (Fringe belt) و دوره تغییر قطعات زمین (Burbage cycle) را نیز تبیین نمود (محملی؛ ۱۳۹۰:۱۶۲).

پس از کانزن، میراث او به‌وسیله تحقیقات او «وایت هند» توسعه یافت و مرزهای مرفولوژی شهری از جغرافیا تا حوزه اقتصاد شهری، مطالعه ارتباط بین شهر و ساکنان آن و پویایی شیوه‌های تولید ساختمان گسترش یافت. وایت هند در سال ۱۹۷۴ مرکز تحقیقات بیرمنگام را باهدف مطالعه شهرهای قرون وسطایی تأسیس نمود (Moudon, 1997, 4). مطالعات بسیاری در خصوص مرفولوژی شهری انجام گردیده است که در یک طبقه‌بندی صورت گرفته و به سه مکتب کلی بریتانیایی، ایتالیایی و فرانسوی تقسیم شده‌اند (محملی؛ ۱۳۹۰:۱۵۹).

مکتب بریتانیایی

رویکرد بریتانیایی (آلمانی) مؤید این ایده است که توسعه‌های موجود شهری رویدادهای کاملاً جدیدی نیستند و در واقع ادامه‌ی روندهای تغییر گذشته‌اند (Bekkering, 2006, 106). مکتب بریتانیایی را می‌توان شکوفاترین سنت تحقیق در مرفولوژی شهری جغرافیایی دانست. مدون این مکتب را بریتانیایی می‌دانند چراکه شاخص‌ترین مطالعات در چهارچوب این مکتب توسط «کانزن» انجام گرفته که گرچه اصالتاً آلمانی است اما پس از مهاجرت به بریتانیا و با مطالعه بر روی شهرهای انگلیسی چهارچوب آن را تدوین نموده است (Moudon, 1997, 3). مرفولوژی شهری جغرافیایی در بریتانیا به شکل تفصیلی و در مقیاس جزئیات به گونه‌های بناهای منفرد نپرداخته، چراکه وجه جغرافیایی موضوع، بر وجه معماری آن چربیده است. در بریتانیا چیزی مشابه و معادل آنچه در ایتالیا به شکل پژوهش و مطالعه سیر تاریخی توپولوژی و ارتباط تنگاتنگ آن با برنامه‌ریزی و معماری به وقوع پیوسته است، دیده نمی‌شود. حتی مطالعاتی که در راستای گونه‌های ساختمان‌ی و ترسیم نمونه‌های گونه‌ها صورت گرفته بیشتر به فرایند تاریخی - جغرافیایی در مقیاس شهر پرداخته تا به گونه‌شناسی بناها (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳).

مکتب ایتالیایی

رویکرد دیگری که در مرفولوژی شهری وجود دارد دیدگاه‌های معماران ایتالیایی است. از دهه ۱۹۵۰ معمار ایتالیایی بنام موراتوری (Muratori) مطالعاتی درباره گونه شناسی خانه‌ها و محل استقرار آن‌ها در شهر انجام داد. با این تفکر که شهر تبلور کالبدی توسعه‌های فرهنگی است، او تاریخ فعال شهر را بر مبنای آنچه ساخته شده بود، مطالعه کرد. کارتوگرافی مهم‌ترین ابزار او بود و با استفاده از آن، به دو طریق عمل کرد: با استفاده از نقشه‌های فرهنگی - تاریخی که خصوصیات تپیک (گونه‌ای) یک دوره زمانی بر روی آن مشخص بود و با استفاده از بازسازی ساختاری - تاریخی خانه‌های منفرد. پس از مرگ موراتوری، روش او توسط یکی از دانشجویانش بنام کانیگیا (Caniggia) پالایش بیشتری پیدا کرد. مطالعه کانیگیا با هدف درک فرم مصنوع از طریق بررسی فرایند تاریخی شکل‌گیری آن انجام شد. او میان ارتباط فضایی متقابل عناصر مصنوع و ارتباط متقابل زمانی، تمایز قائل می‌شود. مطالعه ارتباط فضایی متقابل عناصر مصنوع بر مبنای تقسیم‌بندی‌هایی قرار دارد که یک سلسله‌مراتب را شکل می‌دهند. اجزاء شامل عناصر، ساخت عناصر، سیستم ساخت‌ها و ارگانیزم سیستم‌ها هستند. کانیگیا این موضوع را هم در مورد ساختمان‌های منفرد و هم در مورد شهر بکار می‌برد (میرمقتدایی: ۱۳۸۵؛ ۱۳۳).

مکتب فرانسوی

پس از شکل‌گیری دو مکتب فوق‌الذکر، سومین مکتب در اواخر سال‌های دهه ۱۹۶۰ و در فرانسه ظهور کرد. زمانی که معمارانی چون «فیلیپ پنه» و «همچنین «جین کستکس» با یکدیگر و با همراهی جین «چارلز دو پاول» جامعه‌شناس فرانسوی، مدرسه ملی معماری ورسای به‌عنوان بخشی جداشده از مدرسه «بوزار» را تأسیس کردند، مکتب فرانسوی مرفولوژی همچون مکتب ایتالیایی عکس‌العملی در مقابل مدرنیسم بود. هرچند که از گفتمان روشنفکری در ارتباط با زندگی شهری که موجب معماری پیشگام شد، سود می‌جست و با اندیشه‌های انتقادی قوی جامعه‌شناسانی چون «هنری الوکور» و مورخین معماری نظیر «فرانس بودون» و «آندره کستل» ترکیب می‌شد (Moudon, 1997, 5). برخلاف ایتالیایی‌ها که رویکرد خود به مرفولوژی شهری را از معماری به دست آورده بودند، مکتب فرانسوی مجموعه‌ای از رشته‌ها را در مطالعات مرفولوژیک مؤثر می‌دانستند (Bekkering, 2006 102).

مهم‌ترین ویژگی مکتب فرانسه را می‌توان در توجه به نظریه‌های شکل‌دهنده فرم شهر تعریف نمود. به‌عنوان مثال در مطالعه‌ای که بر روی شهرهای مختلف اروپایی انجام داده‌اند، به بررسی مواردی چون اثرات نظریه باغشهرها بر روی فرم شهر لندن پرداخته‌اند، اثرات شهرسازی هوسمانی بر شکل پاریس و یا ایده شهر درخشان لوکوربوزیه

پرداخته‌اند (Partridi et al, 2004:6) لذا توجه ویژه اندیشمندان این مکتب بر روی تغییرات حادث شده بر اثر مدرنیسم است (Bekkering, 2006, 104). بدین ترتیب می‌توان گفت هدف مطالعات مرفولوژیک در فرانسه در واقع بررسی میزان واقع‌گرایی نظریه‌های گوناگون، بر مبنای سنجش تأثیر آن‌ها بر فرم و الگوهای شهری و بالطبع تعریف اجزاء شاخص برای بازتعریف توسعه دوباره در مداخلات جدید است.

اصول کلی منبعث از مکاتب مرفولوژی شهری

۱- فرم‌های شهری به کمک سه جزء فضاهای ساخته‌شده، فضاهای باز و فعالیت‌های مستقر در آن‌ها تعریف می‌شود.

۲- مطالعه فرم‌های شهری دارای «سطوح و ضوح» مختلفی نظیر ساختمان، قطعه، بلوک، خیابان، شهر و منطقه است.

۳- فرم‌های شهری تنها از طریق بررسی تحولات و جابه‌جائی‌هایی که در طول تاریخ برای اجزای آن‌ها اتفاق می‌افتند، قابل بررسی هستند.

بنابراین هر مطالعه مرفولوژیکی باید این سه جزء را در درون خود جای دهد و به فراخور بستر مطالعه از یک شیوه تحلیلی برای سنتز این لایه‌های اطلاعاتی بهره‌برد (محملی؛ ۱۳۹۰:۱۶۲).

مطالعه‌ی فرم‌های شهری با اهداف توصیفی- تبیینی: عموماً باهدف توسعه نظریه ساختن شهر صورت می‌گیرند این مطالعات بیشتر به چگونگی ایجاد شهرها و چرایی ساخت آن‌ها می‌پردازند (همان).

مزیت مکتب بریتانیایی از این حیث است که به فرایندهای تاریخی توجه دارد از سوی دیگر روش بررسی ساختار شکلی (فرمال) شهر نیز در این مکتب دقیق‌تر به نظر می‌آید (محملی؛ ۱۳۹۰:۱۶۸).

متغیرهای مرفولوژی شهری

بر اساس رویکرد مرفولوژی شهری، پدیده‌های مکانی در سه سطح مورد تحلیل قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از:

۱- **زمان و تاریخ ایجاد پدیده:** زمان یا وقت بُعدی است که در آن اتفاقات از گذشته تا به حال و از حال تا آینده رخ می‌دهند. در علوم مختلف (اقتصاد، جامعه‌شناسی، ادبیات، سیاست، مذهب و ...) زمان تعریف متفاوتی دارد. از دیدگاه فیلسوفان زمان، نوعی مقدار و کمیت متصل است که ویژگی آن قرارناپذیری است و به‌واسطه حرکت بر اجسام عارض می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). در اقتصاد هرزمانی تولید و مصرف، تقاضا و عرضه اقتضای خاص خود را دارد. در مذهب زمان برای انجام فرایض دینی موردبحث

است. بر این اساس در علوم مختلف تنوعی از تحلیل بر مبنای زمان وجود دارد؛ اما در علوم مرتبط با شهر از جمله جغرافیا، شهرسازی و معماری زمان کمیتی است که پدیده‌های مکانی در آن زایش، تکامل و یا به میرایی می‌رسند (مقیم، ۱۳۸۰: ۳۲۳).

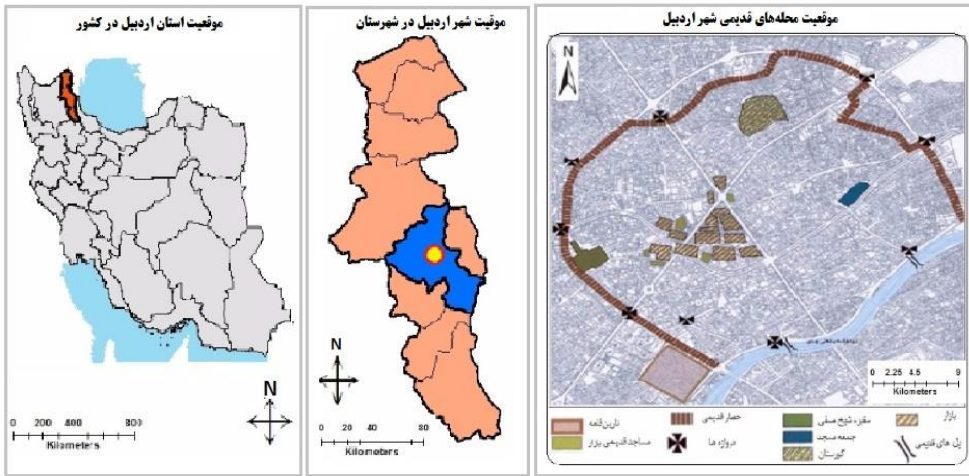
۲- نوع و فرم عنصر شهری: شکل یا فرم عناصر شهری بر اساس رویکرد مرفولوژی شهری به کمک سه جزء فضاهای ساخته شده، فضاهای باز و فعالیت مستقر در آن‌ها مشخص می‌شود (محملی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

۳- مقیاس یا گستردگی مکانی عملکرد پدیده: هر کاربری به لحاظ مقیاس به سه واحد در سطح محله‌ای، فرا محله‌ای و منطقه‌ای تقسیم می‌شود (همان).

محیط‌شناسی

گسترش شهر اردبیل از گذشته تاکنون از الگویی منطقی پیروی کرده و شهر به شش محله بزرگ و اصلی به نام‌های تابار؛ اوچکدان؛ پیرعبدالملک در منطقه حیدری و گازران؛ سرچشمه؛ عالی‌قاپو در منطقه نعمتی تقسیم می‌گردیده که به دلیل ساختار شعاعی بافت؛ محله دیگری بر آن‌ها افزوده نمی‌شود و نظام توسعه آن‌ها با شکل‌گیری زیر محلات تحت مرکزیت این سرمحلات شش‌گانه؛ دنبال می‌گردد. در این ساختار شعاعی از برخورد راسته‌های اصلی با یکدیگر و با راسته‌های فرعی‌تر مراکزی در هر محله شکل می‌گیرد که متناسب اهمیت آن عناصری از قبیل مسجد؛ حمام؛ حسینیه؛ واحدهای تجاری؛ فضاهای بازو... را در خود جای داده است. غالباً این مرکز محلات به شکل میدانی بزرگ در میان این عناصر به‌ویژه در مقابل مسجد همراه با آب‌نماهایی تجلی کالبدی می‌یافتند و جهت ارتباط افراد باهم؛ خرید و فروش نیازمندی‌ها و محل بازی کودکان عمل می‌کردند (رضازاده اردبیلی، ۱۳۸۸: ۷۸). در حقیقت اصلی‌ترین اندام تشکیل‌دهنده استخوان‌بندی بافت قدیم اردبیل؛ بازار و موقعیت مرکزی آن است که در یک جهت‌گیری از جنوب غربی به شمال شرقی با عبور از کنار مسجد جامع جدید؛ دو قطب اصلی شهر قدیم- بقعه شیخ صفی و جمعه مسجد- را به هم پیوند می‌دهد و از این ستون فقرات اصلی با توجه به خصوصیات کالبدی و اجتماعی هر حوزه؛ شاخه‌هایی جدا گشته و به مراکز محلات می‌پیوندند (رضازاده اردبیلی، ۱۳۸۸: ۷۸).

نقشه شماره یک: موقعیت اداری و جغرافیایی شهر اردبیل



مأخذ نقشه: مهندسین طرح و کاوش، ۱۳۹۰: ۱۷

بحث و تفسیر یافته‌های تحقیق

اولین نقشه‌های موجود شهر مربوط به سال ۱۳۲۰ است که شهر در حدفاصل رودخانه بالخی در شرق و قسمتی از جنوب و کوچه معجز، سعدی و کرداحمد در قسمت غرب و محله طوی در جنوب قرار گرفته است (مهندسین طرح و کاوش، ۱۳۹۰: ۱۱).

هسته اولیه شهر اردبیل، میان دورود و توأم با بنای ارگ حکومتی که به نارین قلعه معروف است، شکل گرفته است. در گستره بعدی شهر، احداث بازار در جایگاه مرکز تجاری منسجم و سازمان‌یافته، کالبد و انتظام شهر را به سطحی فراتر از پیش ارتقا می‌دهد. شکل صلیبی بازار تأثیرات معماری آن دوره را نشان می‌دهد که حول کانون مسجد شکل گرفته است (طرح جامع شهر اردبیل، ۱۳۹۰: ۸/۲).

تحولات تاریخی دوره ۱۳۴۰-۱۳۰۰ هـ.ش که منجر به تحولات مرفولوژیک در شهر اردبیل شدند را می‌توان در سه دوره بررسی کرد:

ایجاد تغییرات گسترده کالبدی با الگوی مدرنیستی پهلوی اول (دوره ۱۳۲۰-۱۳۰۰)

در سال ۱۳۰۳ خورشیدی دستور تشکیل بلدیة به حکمران اردبیل داده شد. مرحوم حاج میرزا بیوک آقا واهب زاده به ریاست افتخاری بلدیة اردبیل انتخاب شد و از اولین کارهای آن‌ها تسطیح و تمیز کردن کوچه‌ها و سنگ‌فرش آن‌ها بود. یکی دیگر از کارهای شهرداری جدید تشکیل خیریه برای نگهداری فقرا بود (صفری، ج

۲: ۱۲). در واقع اولین اقدام برای ایجاد تغییرات کالبدی در شهر اردبیل، تشکیل بلدیه بود که بتواند به طور قانونی شهرسازی بلدوزری را در این شهر به اجرا بگذارد که این امر میزان مقاومت مردم را در مقابل این تاخت و تاز به شهر را کمتر می‌کرد و به ناگاه مردم خود را در مقابل حکومتی می‌دیدند که هر نوع مقاومتی را در مقابل اقدامات به اصطلاح مدرنیستی شاه در هم می‌شکست.

ایجاد اولین خیابان و باغ ملی در اردبیل: از دیگر وقایع مهم شهر اردبیل در اوایل دوره پهلوی اول ایجاد اولین خیابان در اردبیل است این شهر چون محل گذر کاروان‌ها و مسافران بود، شهرآبادی محسوب می‌شد. تجارتخانه‌ها و کاروانسراها و عمارات بسیار جالب و گران‌قیمتی داشت. طبیعی بود شهر بدین عظمت و با آن وضع ورود و خروج مال‌التجاره، کوچه‌ها و معابر زیادی داشت و برای نظافت آن‌ها کوشش می‌شد اما این معابر بیشتر متناسب با اوضاع و مقتضیات روز بود و وسیع‌ترین آن‌ها برای عبور دو یا سه کاروان شتر و یا حرکت یک ارابه یا درشکه به وجود آمده بود و برای عبور ماشین و کامیون که کم‌کم بدین شهر می‌آمدند استعداد نداشت. دستور احداث خیابان در سال ۱۳۰۷ خورشیدی به مرحله اجرا درآمد و نقشه آن چنان تصویب شد که در دروازه تبریز به خط مستقیم به دروازه آستارا وصل گردد از «تارقاپوسی» تا «زنجیر» خیابان وسیعی بنام خیابان پهلوی باز شود. این کار در ابتدا با عدم رضایت مردم مواجه گردید. البته در این میان مسجدی هم بنام سرچشمه آسیب می‌دید شهرداری در این زمینه با نوآوری مسجد را در وسط خیابان قراردادند. به موازات ایجاد این خیابان باغ ملی نیز در سمت غربی نارین قلعه احداث گردید (صفری، ج ۲: ۱۲). محل آن بیشه زاری بود که حصارلی باغ خوانده می‌شد. مردم این باغ را ملت باغی می‌گفتند. در جنگ جهانی دوم زمانی که هنوز کشور ما مورد تجاوز همسایگان شمالی و جنوبی قرار نگرفته بود، باغ ملی عصرها مرکز تجمع بازاریان و فرهنگیان شهر بود (همان، ۱۶) پهلوی اول در دوره سلطنت خود چندین بار به اردبیل سفر کرد و در آخرین سفر خود در ۱۳۱۵ خورشیدی دستور داد نارین قلعه را خراب بکنند و جای آن عماراتی برای ادارات بسازند. قلعه به فاصله کوتاهی خراب شد و با خاک و خشت آن خندق‌های اطراف پر شد و جای هریک از ادارات مشخص شد ولی تا شهریور ۱۳۲۰ جز چند ساختمان ناتمام اقدامی برای احداث بنای ادارات به عمل نیامد. همچنین در آن دوران بانک ملی شعبه اردبیل افتتاح گردید که با استقبال مردم به‌ویژه تجار مواجه شد. ورود تکنولوژی در تغییر بافت شهری بسیار تأثیرگذار بود. چراغ موضوع شگفت‌آوری برای مردم بود نخستین موتوربرق در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در اردبیل نصب گردید و تأسیسات با سرمایه شخصی به وجود آمد. رادیو و سینما هم که در عهد پهلوی اول در اردبیل پیدا شدند از عوامل اعجاب‌انگیز زمان بشمار

می‌آمدند. اولین سینما در سال ۱۳۱۰ خورشیدی تأسیس گردید و فیلم‌های صامت آن زمان در معرض دید مردم قرار گرفت ولی بر اثر اعتقادات مذهبی در اوایل چندان از آن استقبال نشد (هدایتی، ۱۳۹۱: ۳۱). در دوره پهلوی مداخلات شهری منطبق بر خواست‌های خارج از مرزهای کشور بود؛ این مداخلات که خواست‌های نظامی‌گری و دسترسی‌های سریع به نقاط حساس کشور و ایجاد امنیت از بهانه‌های اصلی آن شمرده می‌شد، منجر به احداث خیابان‌های صلیب‌وار و گسیختگی بافت شهر و عناصر اصلی آن از جمله راسته‌های بازار و کشیده شدن قلب تجارت شهر به لبه‌های خیابان شد.

شهر اردبیل در گذشته‌ای نه‌چندان دور؛ شهر دارای کالبدی منسجم و یکپارچه بوده و فضاهایی چون بقعه شیخ صفی؛ بازار و مسجد تمام شهر را پوشش می‌داده‌اند؛ اما با ورود اولین خیابان‌ها؛ انسجام بازار؛ بافت و محلات مسکونی برهم ریخت (رضازاده اردبیلی؛ ۱۳۸۸: ۷۴). الگوی رایج خیابان‌کشی در این دوران ایجاد خیابان‌های عمود برهم است، این خیابان‌های صلیبی‌شکل؛ غالباً با بریدن بافت‌های ارگانیک ابتدا و انتهای شهر را به یکدیگر پیوند می‌زد. این دو خیابان یا بر روی دیوار و خندق قدیمی شهر بنا می‌شد و یا اینکه حاصل تعریض گذرهای قدیمی بود. خیابان‌هایی که در این دوره ۲۰ ساله در بافت قدیمی شهرها ایجاد شدند؛ هرچند بی‌رحمانه بخش قدیمی شهر؛ بازار و میدان‌های آن را از هم گسستند؛ اما یک درس برجای گذاشتند و آن هم نحوه طراحی لبه خیابان‌ها ملهم از بدنه محصورکننده میدان‌های قدیمی بود (همان؛ ۱۵۳).

مهم‌ترین خیابان‌کشی جدید که در دوره پهلوی اول اجرا شد؛ احداث خیابان پهلوی (امام خمینی) بود که در سال ۱۳۰۷ ه.ش با عرض ۲۴ متر؛ به خط مستقیم از دروازه تهران به دروازه آستارا و ویرانی تعدادی از خانه‌ها؛ حمام وکیل؛ چند کاروانسرا و مسجد سرچشمه؛ که بازار را به دو نیم کرد.

پیامدهای این تغییرات کالبدی در اردبیل (تعریض خیابان‌ها و خیابان‌کشی جدید) اگرچه عبور و مرور وسایل نقلیه موتوری را تسهیل کرد اما از جهاتی نیز ویرانگر بود، بی‌توجهی به بافت ارگانیک شهر قدیم و آثار ارزشمند تاریخی-مذهبی با خیابان‌کشی‌های مستقیم و شطرنجی موجب از بین رفتن فضاهای شهری زیبا و دل‌نشین شد و گسستگی اجتماعی نیز بخشی از تبعات و پیامدهای آن بود که منجر به جزیره‌ای شدن بافت قدیم شهر اردبیل شد. در این دوره گسترش راه‌ها؛ تعریض معابر؛ جراحی‌های کالبدی شهر و ... سبب یکپارچگی و هماهنگی بازار و تسهیل گردش کالا و سرمایه در این بازار که مهم‌ترین کارکردش انتقال مازاد اقتصادی مناطق روستایی به خارج و واردکردن مصنوعات خارجی بود؛ گردید (سعیدرضوانی؛ ۱۳۷۱: ۱۴۴).

مهم‌ترین تحول ایجادشده در این دوره به حرکت درآمدن بازار بود؛ بازار تاریخی که سال‌هاست در آرامگاه خویش خفته بود در بسر جغرافیا به حرکت درآمد و خود را به کنار خیابان‌های جدید کشانید؛ همراه و تا حدی در نتیجه‌ی حرکت بازار؛ حرکت‌های دیگری نیز رخ نمود. مهاجرت از مناطق قدیمی به محلات جدید و اجتماع طبقات گوناگون در کنار یکدیگر سبب جدایی‌گزینی طبقاتی و طبقاتی شدن شهر شد البته امروز هم در برخی شهرهای کوچک چنین فرایندی تکرار نشده است (همان: ۱۶۳).

ورود روس‌ها و فرقه دموکرات به اردبیل (۱۳۲۵-۱۳۲۰)

شهر اردبیل از سال ۱۳۲۵-۱۳۲۰ ه.ش به اشغال روس‌ها و فرقه دموکرات درآمد. ارتش شوروی در شهریور ۱۳۲۰ با ورود به شهر، سربازخانه (در محله طوی خیابان امام خمینی فعلی) سربازخانه را اشغال کردند و تا اوایل ۱۳۲۵ که ارتش شوروی ایران را ترک کرد سربازخانه تحت تصرف آن‌ها بود. پس از اشغال اردبیل بسیاری از افراد بر سر پست‌های خود حاضر نمی‌شدند و به خاطر نظامی بودن و ترس از گرفتاری هرکدام به پناهگاهی رفته بودند و شهر فاقد نگهداری قانونی شد سرانجام هر محله برای خود نگهدارانی انتخاب کرد و به نوبت شب‌ها کشیک می‌دادند اما فروپاشی سریع ارتش شاهنشاهی پهلوی اول موجب شد تا سربازان سلاح‌های خود را زمین بگذارند و در این فرصت برخی عشایر به تهیه سلاح پرداختند و به زورگویی و چپاول روستاهای اطراف پرداختند. علاوه بر آشوب و ناامنی، افزایش قیمت قند و شکر و قماش، قحطی نان و ارزاق عمومی مشکل لاینحل مردم گردید و علیرغم اینکه اردبیل و نواحی اطراف آن از مناطق غله‌خیز ایران بود اما انبارهای غلات به دست روس‌ها افتاد و محصولات به روسیه حمل می‌شد که طی آن با قحطی نان، مسئولان شهر با کمک ریش سفیدان محله‌ها، جیره‌بندی نان را اجرا کردند.

بابا صفری درباره روحیه مردم اردبیل در آن روزها را این‌گونه بیان می‌کند بهت و نگرانی و اضطراب در قیافه‌ها مشهود بود و کمتر کسی حوصله داشت که بتواند حتی با دوست و رفیق خود صحبت کند. حق هم با آن‌ها بود زیرا ده ساعت پیش زندگی آرام و اطمینان بخشی داشتند و هرگز تصویری نمی‌کردند که در زمان بدان کوتاهی حوادثی بدین بزرگی رخ خواهد داد و سپاه بیگانه زادگاه و میهن آن‌ها را تحت اشغال در خواهد آورد. درست است که یک «دفیله» و «رژه» نظامی با آن سازوبرگ و تجهیزات کامل برای تماشاگر اردبیلی جالب و دیدنی بود اما مردم قلباً احساس اندوه می‌کردند و قدم‌هایی را که سربازان روسی بر زمین می‌زدند لگدهای دردناکی می‌دانستند که استقلال وطن را پایمال می‌نمود. آن‌ها آن‌همه سلاح و جنگ افراز و نیرو را در زمین و هوا می‌دیدند و آنگاه به یاد لشکر ازهم‌پاشیده شهر خود و وضع سرگردان نظامیان خویش که در بیابان‌ها پراکنده

بودند، افتاده غم و اندوه می‌خوردند. شب چهارم شهریور ۱۳۲۰ ه. ش شوم‌ترین و وحشتناک‌ترین شب اردبیل در نیم‌قرن اخیر بود. در خانه مردان و زنان با اضطراب فراوان از روزهای آینده سخن می‌گفتند. در همین روزها در اجتماعات شهری که در ایوان عمارت فرمانداری شکل گرفت و فرمانده روسی برای مردم سخنرانی کرد او روس‌ها را برادران ایرانیان خواند و علت این حمله را خنثی نمودن فعالیت ستون پنجم آلمانی‌های نازی در ایران قلمداد نمود. او از مظالم نازی‌ها در اروپا و نیز در خاک شوروی سخن‌ها گفت. وی افزود ارتش سرخ برای جنگ به ایران نیامده است بلکه برای آن دست بدین کار زده است که دشمن مشترک بشریت یعنی نازی‌های را از این خاک بیرون و شماها را از شر آن‌ها برهاند. او همچنان از مردم خواست به سرکار خود بروند و دکان‌ها را باز کنند. از کارمندان ادارات نیز خواهش کرد که بر سرکار خویش بروند و بر طبق قوانین و مقررات اداری ایران کارهای خود را انجام دهند. بعد از او فرماندار نیز سخنانی در مورد همکاری مردم انجام داد البته سخنان فرماندار تا حدودی در حفظ آرامش مردم مؤثر افتاد و از فردا آن روز تا حدودی آرامش موقتی شهر را فراگرفت» (باباصفری ۲۰۱۳۷۰: ۵۲-۵۴).

در آذر ۱۳۲۴ اردبیل سقوط کرد و کل منطقه آذربایجان به دست فرقه دموکرات افتاد اما این فرقه با حضور یک‌ساله‌اش، با تمام تبلیغات و مراسمات فرهنگی نتوانست با مردم ارتباط درستی بگیرد و با خروج نیروهای شوروی از آذربایجان و روابط قوام با مقامات مسکو شرایط به نفع حکومت مرکزی رقم خورد (اخوی، ۱۳۹۴: ۱۶-۵). البته پایان کار این فرقه در اردبیل بسیار جالب توجه بود و بسیار از عوامل فرقه به دست مردم کشته شدند و به قتل معروف شد. در این دوره پنج‌ساله عامل مهم اتحاد مردم و تسلط نگرش مذهبی در محلات شهری اردبیل موجب تحمل سختی‌ها و عدم بروز تحولات کالبدی چشمگیری در فضای شهری مطابق با امیال بیگانگان شد.

تحولات بافت قدیمی شهر اردبیل در دوره ۱۳۴۰-۱۳۲۵

قبل از وقوع جنگ‌های ایران و روس ارتباطات اردبیل با بندر آستارا؛ موقعیت مناسبی از نظر بازرگانی به این شهر داده بود و اردبیل مرکزیت خاصی در ایران داشت؛ اما اردبیل در اثر جنگ‌ها آسیب جدی دید و با احداث راه‌آهن جدید تبریز- تهران مهاجرت مردم به تهران و تبریز کم‌کم شدت گرفت (رضازاده اردبیلی؛ ۱۳۸۸: ۷۵). بعد از خروج روس‌ها و دموکرات‌ها از شهر اردبیل، محمدرضا پهلوی اولین سفر خود را به شهر اردبیل انجام داد که نتیجه و دستاورد خاصی برای توسعه کالبدی شهر اردبیل نداشت؛ اما در تیرماه ۱۳۲۶ آتش‌سوزی بازار اردبیل خسارت فراوانی به شهر وارد کرد که این خرابی بازار می‌توانست فرصت خوبی برای شهرداری باشد تا

با یک نقشه صحیح آن را نوسازی کند ولی در آن زمان شهرداری هیچ برنامه‌ای برای شهر نداشت و مغازه‌ها باز به همان صوت سابق تعمیر شد و دوباره بازگشایی شد (صفری ج ۳: ۱۴۳).

در جریانات سیاسی بعد از ۱۳۲۹ خورشیدی اجتماعاتی در شهر شکل گرفت ولی چون با هیجانات کاذبی همراه بود به مرور خاموش شد در وقایع ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی پس از اتفاقات جاری در تهران اثر خود را در اردبیل هم گذاشت بعد از مرداد ۱۳۳۲ پهلوی دوم سه بار به اردبیل سفر کرد. شاه در عمارت فرمانداری و دیگر همراهان در مسافرخانه‌ها اقامت گزیدند (همان).

در دوره پهلوی دوم وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت، نیاز به گسترش هر چه بیشتر راه‌ها و تعریض معابر برای تسهیل ورود و گردش کالا داشت که این امر انتقال مازاد اقتصادی مناطق روستایی به شهرها و واردکردن مصنوعات خارجی به داخل را آسان‌تر می‌کرد، لذا با وجود تعداد بسیار اندک وسایل نقلیه موتوری، تخریب و ایجاد معابر بسیار وسیع شطرنجی با مشارکت کارشناسان خارجی انجام می‌شد.

در این راستا در دوره ۱۳۴۰-۱۳۲۵ دو خیابان اصلی و بزرگ در شهر اردبیل احداث شد که کالبد بافت قدیم اردبیل را بیشتر از دوره پهلوی از هم گسست:

۱- خیابان شاه (کاشانی): این خیابان در سال ۱۳۳۰ هـ.ش احداث شد که محله آبروان را به دروازه مشکین متصل می‌کرد و تمامی بازار پیرعبدالملک و حمام قدیمی و سراهای آن را تخریب کرد و تازه میدان را به دونیم کرد.

۲- دومین خیابان، احداث خیابان شیخ صفی‌الدین اردبیلی در سال ۱۳۳۷-۱۳۴۰ هـ.ش بود که با تعریض راسته سنگ‌فرش شده پیشین انجام گرفت و لطمه زیادی به شهر نزد؛ چون منطبق با راسته قدیمی شیخ صفی بود (رضازاده اردبیلی؛ ۱۳۸۸: ۷۸).

در اوایل دهه ۱۳۳۰ مساحت کل شهر ۷۱۲/۶۵ هکتار بود و در فاصله زمانی ۱۳۴۱-۱۳۳۵ مساحت شهر با گسترش بسیار آرام و بطئی و متصل به ۸۳۹/۵۷ هکتار رسید و جهات گسترش در این دوره بیشتر متوجه شمال و شمال غرب و غرب بوده است و از جنوب رشدی نداشت (طرح جامع شهر اردبیل، ج دوم، ۱۳۹۰: ۱۱).

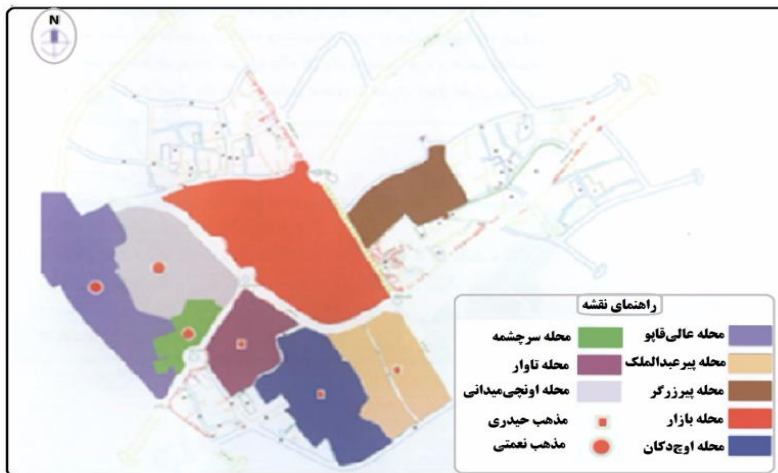
محلات بافت قدیم اردبیل

هسته مرکزی شهر اردبیل و در واقع بافت قدیمی اردبیل را شش محله تشکیل می‌دهند که این شش محله بازار اردبیل را در میان خود گرفته‌اند و سراهایی از بازار به سمت این محلات باز می‌شود، طوی (تاوار)، اوچدکان، پیرعبدالملک، گازران (اونچی میدان)، سرچشمه و عالی‌قاپو (دروازه) محلات شش‌گانه اردبیل را تشکیل می‌دهند، هر یک از این محلات دارای زیرشاخه‌ها، محله‌ها و کوچه‌های متعددی نیز هستند که نمود اصلی

این زیرشاخه‌ها در اجرای مراسم عزاداری در دهه اول محرم است که طبق سنت و برنامه مدون در بازار و خیابان‌های اصلی شهر، مختص اردبیل انجام می‌شود.

از اواخر قرن نهم هجری که اوج تشکیل تصوف و فرقه‌های صوفیانه در ایران است تا دهه‌های اخیر، محلات بسیاری از شهرهای ایران درگیر تقابل و رقابت نعمتی و حیدری بودند، نعمتی‌ها پیروان شاه نعمت‌الله ولی صوفی و شاعر کرمانی قرن هشتم و نهم هجری و حیدری‌ها پیروان سلطان قطب‌الدین حیدر تونی، صوفی قرن ششم و هفتم هجری بودند. محلات اردبیل نیز از این امر مستثنی نبود، سه محله طوی، اوچدکان و پیرعبدالملک حیدری و گازران و سرچشمه و عالی‌قاپو نیز نعمتی بودند (باباصفری، ۱۳۷۰: ۱۶۵)، این محلات در رقابت شدید به‌ویژه در اجرای مراسم عزاداری محرم قرار داشتند و در برخی حوادث شهر اردبیل به‌ویژه در دوران مشروطه درگیری‌ها و رقابت آن‌ها باهم در سیر حوادث و رویدادهای اردبیل تأثیرگذار بود و البته در موارد بسیاری خسران‌هایی را نیز متوجه شهر کرد، با انقراض قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی و شکل‌گیری نهادهای اجتماعی نوین اختلافات نعمتی و حیدری محلات نیز از شهرها رخت بر بست. هرکدام از این محلات حمام و مسجد مخصوص خود داشتند، همه مساجد امروزه نیز فعال هستند اما حمام‌ها برخی درگذر زمان تخریب‌شده و باقیمانده جزء آثار تاریخی شهر اردبیل به شمار می‌روند، در مسجد جامع اردبیل برای مراسم طشت‌گذاری ماه محرم به نشانه محلات شش‌گانه، شش طشت وجود دارد که هرکدام از طشت‌ها نماد یک محله است.

نقشه شماره دو: نام و موقعیت محله‌های بافت قدیم شهر اردبیل



ماخذ نقشه: مهندسین طرح و کاوش، ۱۳۹۰: ۵۴

محله طوی

نام محله طوی یا به زبان مردم اردبیل «تاوار» برگرفته از آیه ۱۶ سوره نازعات قرآن کریم (إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى، آنگاه که او را پروردگارش در وادی مقدس طوی ندا درداد) و به معنای جایگاه قرب الهی است، وادی طوی در شهر مکه نام منطقه‌ای است در داخل حرم که بر اساس اعتقادات شیعیان دوازده امامی، امام عصر در آنجا زندگی می‌کند و همراه یارانش قیام خود را نیز از آنجا شروع خواهد کرد، گزینش این نام برای محله نشان از اعتقادات ساکنان آن دارد اما از آنجاکه تاریخ شکل‌گیری این محله به‌طور دقیق مشخص نیست و مذهب مردم اردبیل نیز تا مدت‌ها پس از شیخ صفی‌الدین اردبیلی سنی شافعی بوده است، به قطع یقین نمی‌توان گفت که این نام‌گذاری مبتنی بر اعتقادات شیعی است اما در اسلامی بودن آن شکی وجود ندارد.

محله طوی به‌عنوان برادر بزرگ‌تر محلات حیدری در میدان سرچشمه و ضلع شرقی خیابان امام خمینی واقع است، از محله‌های وابسته به آن می‌توان قره دگنک (صفویه)، داشچیلار، شاه باغی (کوچه اسلامی)، داش کسن (ججین) را نام برد.

از معارف این محله خاندان وکیل‌الرعا یا بوده که دارای سوابق تاریخی و از بازیگران مهم رویدادهای اردبیل بوده‌اند، وکیل‌الرعا یا خود در دوره‌هایی ایل‌بیگی عشایر را بر عهده داشته و در منطقه مغان نیز دارای املاک بوده است (ترابی طباطبایی، ۱۳۳۵: ۲۷۶). خانه تاریخی آن‌ها در کوچه طوی میدان سرچشمه قرار دارد) افشار سیستانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳) زمانی که مظفرالدین شاه از راه آستارا عازم اروپا بود محمدعلی میرزا جهت مشایعت وی از راه اردبیل راهی آستارا گردید و در این خانه اقامت گزید (نظری، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۶). خانه وکیلی امروزه مقر بنیاد ایران‌شناسی مرکز اردبیل است، مسجد محله طوی نیز در نزدیکی همین خانه قرار دارد.

محله اوچدکان

اوچدکان به معنی سه مغازه است، وجه‌تسمیه این محله بدین نام به دلیل سه مغازه‌ای بوده است که در نیش کوچه اوچدکان قرار داشته است، طبق گفته‌های یکی از اهالی محله (مصاحبه با آقای شکور مقصودی، ۲۰ تیر ۱۳۹۴) تا چند دهه قبل این مغازه‌ها که هر سه خواربارفروشی بوده‌اند هنوز وجود داشته‌اند و امروزه به‌جای آن‌ها ساختمان‌هایی به سبک جدید در کوچه‌های تنگ قدیمی سر برآورده و معضلاتی را باعث شده‌اند که تنها مختص محله اوچدکان هم نیست؛ اما چرا باوجودی که همه محله‌ها ممکن بوده است مغازه‌هایی برای تأمین مواد موردنیاز مردم محله داشته باشند این سه مغازه محله اوچدکان شاخص شده‌اند؟ از آنجاکه بیشترین خانه‌های تاریخی شهر اردبیل در این محله قرار دارند و تقریباً در همه کوچه‌های اصلی آن خانه‌ای تاریخی

وجود دارد و صاحبان این خانه‌ها نیز اغلب تاجر بوده‌اند، به‌غیراز اعیان‌نشین بودن محله، به نظر می‌رسد که در این مغازه‌ها اجناس به‌خصوص یا مرغوب‌تری ارائه می‌شده است و یا در دوره‌هایی قحطی یا کمبود کالا، این مغازه‌ها به یمن ساکنان تاجر آن می‌توانسته‌اند بدون مشکل به امر دادوستد بپردازند.

محله اوچدکان به‌عنوان برادر وسط محلات حیدری مابین محله طوی در غرب و پیر عبدالملک در شرق قرار دارد، علی‌آباد، سلطان‌آباد، ابراهیم‌آباد، یعقوبیه، ابوطالب، پیر مادر و آبروان از محلات و کوچه‌های وابسته به محله اوچدکان هستند، مسجد محله که به‌تازگی ترمیم گردیده است از مساجد پرونق اردبیل به شمار می‌رود و مقابری از اعلام و اعیان محله در داخل آن قرار دارد، حمام تاریخی محله درست در پشت مسجد قرار دارد که توسط خانواده صادقی از خاندان‌های سرشناس اردبیل و این محله در سال ۱۲۵۹ ق ساخته‌شده و وقف گردیده است (افشار سیستانی، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

محله اوچدکان خانه‌های تاریخی متعددی دارد که خانه‌های رضازاده، ارشادی، مبشری، خادم‌باشی و صادقی از جمله آن‌هاست، خانه مجلل و باشکوه صادقی که در کوچه سرتیپ آباد محله اوچدکان واقع است در سال ۱۲۸۳ ق ساخته‌شده و از یادگارهای ارزنده معماری دوره قاجار شهر اردبیل به شمار می‌رود، این مجموعه شامل حسینیه، شاه‌نشین، اندرونی، خادم‌نشین و بخش طویله و اصطبل است (نظری، ۱۳۹۲: ۱/۳۳۰).

محله پیرعبدالملک

هرچند تصوف در اردبیل بیشتر بانام شیخ صفی‌الدین اردبیلی و با طریقت او شناخته می‌شود اما پیش از شیخ صفی‌الدین، صوفیان زیادی در اردبیل بوده‌اند و شیخ صفی‌الدین خود مرید آن‌ها بوده است، مانند شیخ ابوسعید اردبیلی و شیخ فرج اردبیلی که هر دو از مریدان جنید بغدادی، صوفی قرن سوم هجری بوده‌اند) موسوی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۱۳۱-۱۳۰) در شهر اردبیل به دلیل حرمت این پیران و صوفیان، چندین محله به نام آن‌ها (پیرعبدالملک، پیر شمس‌الدین، پیر مادر، پیر زرگر) خوانده می‌شود، چندین محله و مسجد نیز پسوند شاه دارند که شاه نیز مرتبتی در تصوف و عرفان بوده است (کلبعلی شاه، اقلیم شاه، چراغ علی شاه، زینال شاه، سلیمان شاه، عبدالله شاه، معصوم شاه)، (صفری، ۱۳۷۰: ۲/۱۸۸).

پیرعبدالملک یکی از پیران اهل تصوف بوده است که مسجدی نیز بناکرده و مسجد و محله آن امروزه به نام وی شناخته می‌شود، دوره زندگی و وفات او مشخص نیست اما به نقل از صفوه الصفا شیخ صفی‌الدین در مراجعت از یک سفر شبی دیروقت به شهر رسید و نتوانست به خانه خود برود لذا در مسجدی که مشهور به شیخ عالم ربانی پیر عبدالملک است اقامت کرد (صفری، ۹۱) این مطلب گواه آن است که پیر عبدالملک

پیش از شیخ صفی‌الدین حیات داشته است، مزار پیر عبدالملک در زیر صحن مسجدی که خود بنا کرده است قرار دارد البته این مسجد بازسازی شده است و طبق گفته‌های کسبه محله به هنگام بازسازی مسجد از تعبیه زیرزمین برای مسجد به خاطر آسیب نرسیدن به مدفن وی اجتناب گردیده است.

محله پیر عبدالملک برادر کوچک‌تر محلات حیدری، در شرق بافت تاریخی اردبیل قرار دارد، از محله‌ها و کوچه‌های تابع آن پیر شمس‌الدین، پیرزرگر، جمعه مسجد، سیدآباد، عبدالله شاه و کوچه علی را می‌توان نام برد، حمام قدیمی محله در جریان خیابان‌کشی‌های شهر تخریب شده و گفته می‌شود بخشی از آن در زیر خیابان مدفون شده است، قسمت اعظم محله پیر عبدالملک تجاری محسوب و یکی از سراهای بازار تاریخی اردبیل که به این محله بازمی‌گردد نیز به نام بازار پیر عبدالملک خوانده می‌شود، از آنجا که قدیمی‌ترین اثر تاریخی شهر اردبیل در محدوده این محله قرار دارد شاید بتوان محله پیر عبدالملک را با سابقه‌ترین محله اردبیل نامید، این اثر تاریخی جمعه مسجد اردبیل است که مابین کوچه‌های پیر شمس‌الدین و عبدالله شاه بر فراز تپه‌ای باستانی قرار دارد که به اذعان منابع، در دوره سلجوقی این مسجد بر روی بقایای معبدی مربوط به دوره ساسانی بنا شده است (اولثاریوس، ۱۳۸۵: ۱۲۲). در نابسامانی‌های بعد از فروپاشی حکومت ایلخانان، اردبیل مورد حمله گرجی‌ها قرار گرفت و درب مسجد به غارت گرجی‌ها رفت، اما شیخ صدرالدین موسی فرزند شیخ صفی‌الدین اردبیلی، با عده‌ای از یارانش به گرجستان رفته و درب نفیس مسجد را بازگرداند و به اعتبار خود و خاندانش افزود، بر روی مناره باقی‌مانده جمعه مسجد دو سنگ‌نوشته وجود دارد که یکی از آن‌ها فرمان اوزون حسن آق‌قویونلو است (صفری، ۲۸۰-۲۷۹).

محله گازران یا اونچی میدان

گازران در لغت به معنی رخت‌شویان و جامه‌شویان است، کوچه‌های اردبیل در قدیم به خاطر داشتن نهرهای جاری آب مشهور بوده است به‌گونه‌ای که دلاواله آن را به ونیز تشبیه کرده است (دلاواله، ۱۳۷۱: ۲۴۹). شاید وجه انتساب این نام برای محله به خاطر تجمع مردم برای شستشو و نظافت در کنار نهرهای آب آن باشد، سکونت طبقه‌ای از مردم به‌عنوان رخت‌شوی یا کارگران دباغی که به شستشوی پشم و پوست مشغول باشند نیز بعید به نظر نمی‌رسد به‌ویژه آنکه مرکز تجارت ارمینان اردبیل در مجاورت این محله قرار داشت، در قرن نوزدهم تجارت پشم و پوست بخش عمده‌ای از فعالیت تجار ارمینی شمال ایران را تشکیل می‌داد (لمبتون، ۱۳۷۵: ۲۸۵)، در اردبیل نیز این تجارت رونق فراوان داشت و دباغان زیادی مشغول به کار بودند، کاروانسرای ارامنه نیز در وسط بازار مسگران که روبه روی محله گازران قرار دارد، واقع بود و تجار ارمینی در آنجا به

خرید و فروش پوست‌های قیمتی می‌پرداختند (صفری، ۱۳۷۰: ۳/ ۶۶۶). در کنار کلیسای آرامنه در کوچه منصوب به آن‌ها نیز دباغی وجود داشت.

نام دیگر این محله اونچی میدان به معنی میدان آرد فروش هاست، به گفته اهالی محله در قدیم آسیابی در محله وجود داشته است که ممکن است این نام به خاطر وجود همان آسیاب باشد، اما معمولاً انتساب کالایی به یک محل یا سرای بازاری، به معنی عرضه شدن آن کالا یا به بیان امروزی بورس آن کالا در آن قسمت می‌باشد، به نظر می‌رسد که در این محله نیز آرد برای اهالی شهر عرضه می‌شده است و چه بسا این آرد محصول همان آسیاب محله بوده باشد.

محله گازران برادر بزرگ‌تر محلات نعمتی است که به همراه محلات دیگر نعمتی در جانب غربی خیابان امام خمینی، اولین خیابان اردبیل قرار دارد و مراسم عزاداری محرم توسط عزاداران این محله شروع می‌شود، مسجد محله گازران بیرقی دارد که توسط نادرشاه افشار به این مسجد اهدا شده است، قاجاریه، چراغ علی، آقا کاظم، عباسیه، اکبریه، قاسمیه و زینبیه از کوچه‌های تابع آن به شمار می‌روند.

ساکنین اقلیت مذهبی این محله در مقایسه با سایر محلات اردبیل بیشتر بود، آرامنه اردبیل از دوره پیش از صفویه در این محله ساکن بودند و کوچه مخصوصی برای خود به وجود آورده بودند که امروزه نیز به نام ارمنستان خوانده می‌شود کلیسایی نیز داشتند که تاورنیه در سفرنامه خود بدان اشاره کرده است (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۷۴). در اواسط قرن نوزده نیز عده‌ای از آرامنه تبریز به اردبیل مهاجرت کردند که یا صنعتگر بودند و یا نمایندگی تجارتخانه‌های مختلف را بر عهده داشتند در فاصله سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۰ م، خاچاطور شهبازیان عمده‌التجار آرامنه در اردبیل، روابط تجاری با روسیه را بر عهده داشت و از نام نیکی در میان مردم اردبیل برخوردار بود، اغلب یهودیان و ارمنیان در سرای مجیدیه بازار مسگران به کار و تجارت می‌پرداختند، کلیسای فعلی کوچه ارمنستان که اکنون به زورخانه تبدیل شده و تنها محراب آن برجای مانده است در سال ۱۸۷۶ م، ۱۲۹۲ ق، با هزینه خانواده میرزاییان و به اهتمام خاچاطور شهبازیان ساخته شده و آخرین مراسم مذهبی در آن در سال ۱۹۴۴ م، ۱۳۲۳ ش برگزار شده است، در محوطه کلیسا مقابری نیز وجود داشته است که امروزه اثری از آن‌ها به جای نمانده است همانند حمام و مدرسه‌ای که از متعلقات کلیسا بوده و دیگر نیست. آرامنه اردبیل بعد از اتصال راه آهن روسیه به تبریز کم‌کم از اردبیل به تبریز مهاجرت کردند و امروز هیچ ارمنی در اردبیل ساکن نیست، مهم‌ترین وابستگی آرامنه به اردبیل امتداد راه تجاری تبریز به باکو بود (نوری، ۱۳۹۱: ۱۶۵-۱۶۴) و به یمن پیدایش ارتباطات جدید اردبیل این موقعیت مناسب تجاری را از دست داد.

محلّه سرچشمه

وجه تسمیه محلّه سرچشمه به خاطر چشمه‌ای است که در این محلّه قرار داشت و به گفته برخی همشهریان آب این چشمه به صورت زیرزمینی از دامنه‌های کوه سبلان بدین محلّ هدایت می‌شد، این چشمه تا سال‌های نه‌چندان دور جریان داشت و تلمبه‌آبی نیز بر سر آن کار گذاشته شده بود و محلّ ارجاع و اجتماع عده‌ای زیادی از ساکنان شهر اردبیل بود و آب شرب اهالی محلّ از آن تأمین می‌شد.

محلّه سرچشمه برادر متوسط محلات نعمتی محسوب می‌گردد که در غرب خیابان امام خمینی قرار دارد، محلات تازه شهر، یساول، حاجی قهرمان، محمدیه، خیرال، اقلیم‌شاه و معمار از زیرشاخه‌های آن به شمار می‌روند، ساختمان مسجد محلّه سرچشمه که در خیابان امام خمینی قرار دارد در جریان خیابان‌کشی‌های اردبیل در دوره رضاشاه کمی عقب‌نشینی کرد، چشمه محلّه نیز در همان جریان کور شد، امروزه در وسط میدانی در همین محلّ که آن‌هم سرچشمه نامیده می‌شود نمادی طاقی شکل قرار دارد که فواره‌ای نیز در وسط آن جریان دارد، شاید هر دوی آن‌ها اشاره دردناکی به قربانیان تجدد در این محلّه (مسجد و چشمه) داشته باشند که مستقیم به قربانی دیگری یعنی بازار اردبیل نظاره می‌کنند که خیابان پهلوی سابق و امام خمینی امروز، آن را دوپاره کرد.

امروزه محلّه و میدان سرچشمه اردبیل از پر رفت و آمدترین نقاط شهر اردبیل محسوب می‌شود آن‌هم به دلیل تجمع مراکز پزشکی و درمانی در این نقطه از شهر است، اما دریچه تاریخ محلّه سرچشمه هنوز در هجوم تابلوهای اطباء بسته نشده است و شکوه خانه‌های تاریخی این محلّه، همهمه عبور و مرور رهگذران را از خاطر دور می‌کند، از خانه‌های تاریخی این محلّه می‌توان به خانه ابراهیمی که اثری مربوط به دوره زندیه است و مابین کوچه‌های معصوم شاه و شهیدگاه قرار دارد، نام برد. مقبره پیر ابوسعید اردبیلی نیز در کوچه معصوم شاه محلّه سرچشمه قرار داشت اما در سال ۱۳۴۸ مورد بی‌مهری شهرداری قرار گرفت و تخریب گردید (صفری ۱۳۷۰: ۱۸۶/۲). در جوار مقبره حمامی نیز به نام پیر وجود داشت که آن نیز بدون توجه به ارزش میراث تاریخی در سال ۱۳۶۶ تخریب گردید (افشار سیستانی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

محلّه عالی قاپو

درباره نام این محلّه دو تفسیر وجود دارد، اولی به این قرار که عالی قاپو به معنای دروازه عالی یا درب عالی است به این معنی که اهمیت این دروازه از سایر دروازه‌های اردبیل مهم‌تر بوده است، معنی دوم بیشتر به تلفظ این نام به صورت «آلا قاپی» توسط خود اردبیلی‌ها برمی‌گردد که در آن صورت، درب دورنگ معنی می‌دهد که ممکن

است مقصود باز درب همان دروازه بوده باشد. عالی قاپو یکی از دروازه‌های قدیمی شهر اردبیل و احتمالاً مهم‌ترین آن‌ها بوده است. از آنجاکه این دروازه مدخل ورودی به محوطه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است به نظر نگارنده همان دروازه اسفیریس دوره ایلخانی است که شیخ صفی‌الدین بنا بر وصیت خود در جوار آن به خاک سپرده شد (ابن بزاق، ۱۳۷۶: ۱۶۰-۱۵۹)، این دروازه به مرور زمان رو به ویرانی گذاشت و در دوره رضاشاه بقایای آن تخریب شد و گفته می‌شود قسمتی از کاشی‌های آن در انبار بقعه شیخ صفی‌الدین موجود است. محله عالی قاپو به خاطر تالو گنبد‌های مساجد و مقابر آن و حمام‌های تاریخی متعدد شکوه خاصی داشته و پراهمیت‌ترین میراث تاریخی اردبیل، مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی را در آغوش خود گرفته و کوچه‌های تنگ و پر پیچ و خم این محله حکایت‌ها از صفحه تاریخ اردبیل دارد.

محله تاریخی عالی قاپو برادر کوچک‌تر محلات نعمتی است و نزد ساکنان اردبیل به‌عنوان کانون اصلی عزاداری‌های محرم در این شهر به‌شمار می‌رود و عظیم‌ترین اجتماع عزاداران نیز در این محله صورت می‌گیرد. از مساجد و کوچه‌های تابع آن می‌توان منصوریه، زینال، باغمیشه، میرزابخشعلی، کرد احمد، ملاحادی و سلیمان‌شاه را نام برد. سابق بر این عالی قاپو میدانی مستطیل شکل داشت اما به دلیل سامان‌دهی حریم بقعه، مسجد محله عالی قاپو تخریب و در محل میدان مسجد دیگری به سبک معماری دوره صفوی بنا گردید، مسجد عالی قاپو یا دروازه جنب مجموعه عظیم و تاریخی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی قرار دارد، این مسجد آثار هنری تاریخی متعددی از جمله طوق و بیرق و طشت از دوره‌های مختلف تاریخی دارد که قدیمی‌ترین آن‌ها بیرقی است که تاریخ ۱۱۸۸ ق را در آن نقش شده است.

در سوی دیگر بقعه شیخ صفی‌الدین در ابتدای کوچه شهیدگاه نیز مسجد تاریخی سلیمان شاه قرار دارد، از سایر بناهای تاریخی این محله می‌توان به مسجد حاج فخر، مقبره امام‌زاده صالح، حمام آقا نقی (متعلق به نیمه دوم قرن هفتم هجری) و حمام شیخ (متعلق به دوره صفوی) که هر دو حمام به موزه تبدیل شده‌اند نام برد. امروزه به دلیل افزایش جمعیت و گسترش محدوده شهری به‌غیراز محلات شش‌گانه و توابع آن‌ها، محلات سیزده‌گانه و شهرک‌های متعدد در اردبیل به وجود آمده‌اند که گسترش شهر عموماً پیرامون محلات قدیمی یا همان محلات شش‌گانه صورت گرفته است.

نتیجه

تحولات بافت قدیم شهر ایرانی منوط به اثرات وقایع تاریخی رخ داده در شهر طی یک دوره ۴۰ ساله از آغاز قرن معاصر به بعد می‌باشد. بافت قدیم شهر اردبیل دربرگیرنده‌ی شش محله‌ی اصلی شهر اردبیل (گازران.

سرچشمه. پیرعبدالملک. طوی. عالی قاپو. اوچدکان) است که ویژگی اولیه‌ی این محله‌ها، رشد آن‌ها در ارتباط با بازار (قلب شهر) می‌باشد که به صورت شعاعی رشد یافتند اما با تشکیل بلدیه و اقدامات عمرانی همپای وقایع تاریخی شهر، شکل و رشد شهر تغییر کرد به نحوی که با ورود خیابان (عنصر خطی مدرن) بازار و محله‌ها دچار شکاف شدند و مرکزیت محله‌ها در لبه‌ی خیابان قرار گرفت. در این میان برخی عناصر نقطه‌ای مثل بانک، مکان‌های اجتماعات اصلی شهر، سینما و کتابخانه عمومی موجب اختلاط و پیوستگی کاربری‌های همسان با عملکرد فرا محله‌ای در برخی محله‌ها شدند. اگرچه که موقعیت استراتژیک منطقه آذربایجان موجب اشغال پنج‌ساله‌ی شهر توسط روس‌ها و دموکرات‌ها شد و طی آن قحطی و گرانی مواد غذایی شد اما نکته‌ی مهمی را نشان داد که عامل اصلی اتحاد و همدلی میان محله‌ها و تسلط عقاید مذهبی، مانع از بروز تحولاتی همپای عقاید بیگانگان در کالبد شهر شد. تحولات ناشی از مدرنیسم رژیم پهلوی و نیاز بازار به تغییرات کالبدی و تسخیر اردبیل توسط روس‌ها و فرقه دموکرات از جمله مؤلفه‌های تاریخی تأثیرگذار بر مرفولوژی بافت قدیم شهر اردبیل در دوره ۱۳۴۰-۱۳۰۰ ه. ش بودند که در درون خود با مجموعه‌ای از عوامل خرد موجب تحولات مرفولوژیک در این شهر شدند. در جدول شماره (یک) تأثیر مؤلفه‌های تاریخی در شهر اردبیل بر اساس رویکرد مرفولوژی شهری به طور خلاصه آمده است.

جدول شماره (۱) تحلیل تأثیر مؤلفه‌های تاریخی بر شهر اردبیل بر اساس رویکرد مرفولوژی شهری

ردیف	زمان	نوع و فرم عنصر شهری*		
		فضاهای ساخته شده	فعالیت	فضاهای باز
۱	۱۳۰۷	احداث اولین خیابان	بازار- سرچشمه- طوی	خطی منطقه‌ای بازار. محله‌ها
۲	۱۳۳۰	احداث خیابان شاه (کاشانی)	بازار- طوی- اوچدکان- گازران- پیرعبدالملک- عالی قاپو- سرچشمه	خطی منطقه‌ای بازار. محله‌ها
۳	۱۳۳۷-۱۳۴۰	احداث خیابان شیخ صفی	عالی قاپو- بازار	خطی محله‌ای محله
۴	۱۳۰۳	تشکیل بلدیة و شروع اقدامات عمرانی	بازار. هر شش محله	نقطه‌ای- خطی منطقه‌ای
۵	۱۳۱۵	تخریب نارین قلعه (هسته اولیه در بافت تاریخی شهر)	هسته اولیه شهر (در همسایگی و حاشیه‌ی جنوبی محله طوی)	نقطه‌ای منطقه‌ای
۶	۱۳۱۵	تأسیس اولین بانک	گازران	نقطه‌ای فرامحله‌ای
۷	۱۳۱۰	احداث اولین سینما	سرچشمه	نقطه‌ای فرامحله‌ای
۸	۱۳۰۷	احداث دبیرستان صفوی	سرچشمه	نقطه‌ای فرامحله‌ای
۹	۱۳۰۷	احداث باغ ملی	هسته اولیه شهر (در همسایگی و حاشیه‌ی جنوبی محله طوی)	نقطه‌ای منطقه‌ای
۱۰	۱۳۲۰-۱۳۲۵	اشغال شهر توسط روس‌ها و حضور یک‌ساله‌ی فرقه دموکرات	در این دوره‌ی پنج‌ساله تحولات کالبدی چشمگیری رخ نداد و مهم‌ترین مشکل محله‌های شهری قحطی و گرانی محصولات غذایی بود که همه‌ی محله‌های شهری با آن درگیر بودند	-----
۱۱	۱۳۲۸	اولین کتابخانه عمومی شهر	طوی- بازار	نقطه‌ای فرامحله‌ای بازار
* براساس رویکرد مرفولوژی شهری، مقیاس به سه واحد در سطح محله‌ای، فرامحله‌ای و منطقه‌ای تقسیم می‌شود.				
** براساس رویکرد مرفولوژی شهری فرم‌های شهری به کمک سه جزء فضاهای ساخته شده، فضاهای باز و فعالیت مستقر در آن‌ها مشخص می‌شوند.				
منبع: یافته‌های پژوهش				

کتابنامه

- اخوی، امید، (۱۳۹۴)، «بررسی اوضاع و احوال زندگی مردم شهر اردبیل از اشغال بیگانگان تا فروپاشی فرقه دموکرات ۱۳۲۰-۱۳۲۵ ه.ش»، همایش جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن در آذربایجان، تهران: پژوهشکده اسناد سازمان آرشیو ملی، آذر ۱۳۹۴.
- اردبیلی، ابن بزاز، (۱۳۷۶)، صفوه الصفا، مصحح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات زریاب، چ ۲.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۳) میراث فرهنگی و گردشگری استان اردبیل، تهران: مرکب نشر و تحقیقات قلم اولناریوس، آدام (۱۳۸۵) سفرنامه، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- بابا، صفری، (۱۳۷۰)، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی، چ ۲.
- بهبزادفر، مصطفی و نورمحمدزاده، حسین، (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، «بافت‌شناسی بافت کالبد تاریخی شهر یزد با نگرش سیستمی»، مجله مدیریت شهری، ش ۲۹.
- پورمحمدی، محمدرضا، موسوی، میرستار و جمالی، سیروس (۱۳۹۰)، «واکاوی مکتب‌های مرفولوژی شهری»، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، س ۲، ش ۵.
- ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۳۵)، آثار باستانی آذربایجان، ج ۲، تبریز: انتشارات شفق.
- چرخچیان، مریم، (۱۳۹۲)، تحلیل فضاهای شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- حائری، محمدرضا، (۱۳۷۱)، طرحی از کالبد شهر ایرانی: بررسی گونه شناسانه بافت‌های شهری ایران، مجله ایران نامه، شماره ۴۰.
- دلاواله، پیتز، (۱۳۸۱)، ترجمه شفا الدین شفا، انتشارات علمی فرهنگی، چ ۳.
- رضازاده اردبیلی، مجتبی و پیغامی، لیلا، (۱۳۸۸)، «رهیافتی حاصل از شناخت شهر سنتی به منظور ارائه الگوی مداخله در بافت (مطالعه موردی شهر اردبیل)»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی- شماره ۳۸.
- سایمون بل (۱۳۹۳)، «زندگی جاری و هویت اجتماعی (نقش فضاهای شهری در تقویت هویت بافت‌های فرسوده)»، ترجمه امید ریسمانچی، مجله منظر، ش ۲۷.
- سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۷۱)، «شهرنشینی و شهرسازی در دوره بیست‌ساله ۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه.ش (دوران حکومت رضاخان)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
- صفری، بابا، (۱۳۷۰)، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱ و ۲ و ۳، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اردبیل، چ ۲.
- صیاد، نوری، (۱۳۹۱)، تاریخ اردبیل در عهد قاجار، اردبیل: انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی.
- لمبتون، آ. ک. س، (۱۳۷۵)، ایران در عصر قاجار گفتاری در باب ایران‌شناسی، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد: جاودان خرد.
- محملی ایبانه، حمیدرضا، (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «مقایسه تطبیقی مطالعات مرفولوژی تطبیقی به منظور تکمیلی بر اساس دستگاه تحلیلی اقتصاد سیاسی فضا»، فصلنامه آرمان شهر، ش ۷.

- موسوی اردبیلی، فخرالدین (۱۳۴۷)، تاریخ اردبیل و دانشمندان، ج ۱، نجف: مطبعه الاداب.
- مصباح یزدی، آیت‌الله محمدتقی (۱۳۹۰)، آموزش فلسفه، ج ۲، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مقیمی، ابراهیم، (۱۳۸۰)، «مفهوم زمان و نمادهای آن در جغرافیا»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴۵، ش ۱۵۷.
- مهندسین طرح و کاوش (۱۳۹۰)، طرح جامع شهری اردبیل ج ۲، وزارت راه و شهرسازی، اداره کل راه و شهرسازی و شهرسازی استان اردبیل.
- میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۵)، «پیشنهاد روشی برای تحلیل شخصیت شهر»، مجله محیط‌شناسی دانشگاه تهران، ش ۳۹.
- نظری، شاپور (۱۳۹۲) هویت قدیم اردبیل، ج ۱، اردبیل: هفت گنج.
- هدایتی، محمود و احمدی، شبنم (۱۳۹۱)، تاریخ شهر و شهرداران اردبیل، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- Bekkering, H.C. (2006). Morphological analysis of the cotemporary & rosemann HJ (EDS). Urban transformation and sustainability, IOS press, delft, PP. 96-113
- Larkham, P.J.1998, Urban morphology and typology in the United Kingdom. In: Attila petruccioli Ed.) Typological process and design theory aghakhan program for Islamic architecture conference proceedings.
- Moudon, A .V. 2000, proof of goodness: a substantive basis for new urbanism: pp.38-43
- Moudon, A V. (1997). Urban morphology as an emerging interdisciplinary field. Urban morphology (PP.3-10). UK: Northumbria University
- Panerai, Ph., & Castex, J., & Depaule, J. Ch. (2004). Urban forms: The death and life of the urban block. UK: Architectural Press.
- Whiteland, J.W.R. (2007), cozening urban morphology and landscapes proceedings of the 6th international space syntax symposium (pp. ii.o01-ii09), Istanbul university faculty of architecture

Analysis of Historical Factors Affecting the Morphology of Old Urban Fabric of Ardabil from 1921 to 1961

Akhavi Omid¹

Hashemi Moussavi Fatemeh²

Abstract

political, from results which fabric geographical unique a has city Each the and functions social as well as processes historical and economic sciences the in attitudes different are There society. the in ideology dominant on Based out. stands attitude morphological which among cities, to related the affecting factors historical the with deals study present the attitude, this this of results The .۱۹۶۱ and ۱۹۲۱ between Ardabil of fabric urban old effective most the and interferences most the that demonstrate research this during cities Iranian of fabric urban old the in place taken have changes destruction (Baladiyeh), municipality the of formation the ,Ardabil In period. elements urban modern of presence streets, of construction Qaleh, Narin of and Russians by city the of occupation and banks, and cinemas as such city the of fabric urban old the changed has Party Democratic Azerbaijani the and elements street linear the that conclude we Therefore, significantly. have areas larger to districts local in functions different with elements point which city, the of districts main six and bazaar the on effect most the had intermingling and districts the and bazaar the between up break a to led have .functions urban of.

Keywords: Ardabil, old urban fabric, urban morphology, urban fabric .

¹ . PH.D candidate of History of Islamic Iran, Shiraz University. (Writer in charge)

² . M.A. of Geography and Urban planning, Kharazmi University.